

## به نام خداوند جان و خرد

پاسخ نامه زبان فارسی سوم تجربی / ریاضی سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴

\*این پاسخ نامه به دلیل محدودیت ساعت های تدریس تدوین شده و در کلاس درس، بازبینی می شود

### درس اول : قواعد ترکیب / پاسخ فعالیت ( ۱ ) ص: ۱۰

آیا ساختن تکواژ ها یا واژه های زیر امکان پذیر است ؟ چرا ؟ چشمش ، متدین ، بپرند ، داگک

تکواژهای « چشمش ، متدین و بپرند » امکان پذیر است چون قواعد واجی رعایت شده است. در چشمش واجگاه / چ / و / ش / به هم نزدیک است اما به دلیل فاصله افتادن بین آن ها با مصوت / - / ساخت آن بدون اشکال است.

در « متدین » نیز واجگاه / ت / و / د / نزدیک هم است ولی آمدن مصوت - در بین آن ها باعث شده که ساخت آن بلامانع باشد. در « بپرند » نیز واجگاه / ب / و / پ / نزدیک به هم است اما واج / - / در بین آن ها قرار گرفته و باعث شده که ساختن این واژه بلامانع باشد. اما در « داگک » واجگاه / گ / و / ک / نزدیک به هم است و بی فاصله در کنار هم نشسته اند از این رو ساخت و تولید آن امکان پذیر نیست .

### پاسخ فعالیت ( ۲ ) ص : ۱۱

با استفاده از روش جانشین سازی ، جمله زیر را بازسازی کنید تا به جمله عادی معنا دار تبدیل شود .

کیفم با دلخوری مدادش را تراشید . این جمله از نظر معنا نادرست است . گروه اسمی دیگری ، جانشین گروه اسمی « کیفم » شود . ← علی با دلخوشی مدادش را تراشید .

پاسخ خودآزمایی درس اول ص: ۱۲

۱- قواعد نحوی : من ، شما را می پسندم . - قواعد معنایی : گل دشت را خوشبوکرد .

۲ . چرا واحد های زبانی زیر کاربرد ندارند ؟ «امیرکبیر دولتی دبیرستان » خلاف قواعد هم نشینی است .

« دانش آموز در درس خواندن کوشا هستند . » خلاف قواعد نحوی است ، زیرا نهاد جدا و پیوسته با هم مطابقت ندارد .

«رفتند می داشتند» خلاف قواعد همنشینی است.

۳-رعد: رَ عَ ، د / الگوی هجایی : صامت+ مصوت کوتاه+ صامت+ صامت

خویشتن: خ، ی، ش / صامت + مصوت + صامت

ت، نَ ، ن / صامت + مصوت + صامت

خورشید: خ، کُ / صامت + مصوت + صامت

ش، ی، د / صامت + مصوت + صامت

موذن: م، / صامت + مصوت

ء / ذ / صامت + مصوت

ذ، \_\_\_\_\_ / ن / صامت + مصوت + صامت

بنفشه: ب، \_\_\_\_\_ / صامت + مصوت

ن، \_\_\_\_\_ / ف / صامت + مصوت + صامت

ش، \_\_\_\_\_ / صامت + مصوت

ماه، م، \_\_\_\_\_ / صامت + مصوت + صامت

درس دوم: فعالیت اص: ۱۳. جمله های مستقل یک فعلی: دمای اجرام آسمانی چه قدر است؟ - کی و چگونه پدید آمده اند؟  
- با گذشت زمان، چه تغییراتی در آن ها ایجاد شده است؟ مریم به خانه بازگشت و درسش را خواند.

جمله های مستقل چند فعلی:

اختر شناسی علمی است که به مطالعه اجرام آسمانی می پردازد. مریم به خانه آمد تا با هم درس بخوانیم.

پاسخ فعالیت (۲) ص: ۱۵

- هسته گروه های زیر را بیابید و تعداد واژه های هر گروه را نیز مشخص کنید.

این پرسش ها: پرسش (هسته) / تعداد واژه های گروه: ۲ (این، پرسش ها)

دمای اجرام آسمانی: دما (هسته) / -----: ۵ (دما، ی، اجرام، ، آسمانی)

ابزارهای گوناگون: ابزار (هسته) / -----: ۳ (ابزارها، ی، گوناگون)

آینده آن ها: آینده (هسته) / -----: ۳ (آینده، ، آن ها)

مشاهده اجرام آسمانی: مشاهده (هسته) / -----: ۵ (مشاهده، اجرام، ، آسمانی)

شاخه های تخصصی: شاخه (هسته) / -----: ۳ (شاخه ها، ی، تخصصی)

تاریخچه جهان: تاریخچه (هسته) / -----: ۳ (تاریخچه، ، جهان)

توضیح بیاموزیم :

در زبان فارسی ، به پاره ای از کلمات برمی خوریم که تلفظ آن ها کاملاً شبیه هم است اما معنا و کاربرد آن ها با یکدیگر متفاوت است . به چنین کلمه هایی «متشابه» یا هم آوا می گویند . کلمات متشابه را نمی توان به جای هم کار برد . مثال :

عَدْر : نیرنگ و حيله ، قدر : ارزش ، اساس : پایه و بنیاد ، اثاث : لوازم خانه و ...

### پاسخ خود آزمایی درس دوم ص : ۱۷

۱. اختر شناسی : اختر (آزاد) شناس (آزاد) ی (وابسته) ، تاریخچه: تاریخ (آزاد)، چه (وابسته)، آفریدگار: آفرید (آزاد)، گار (وابسته)

قشنگ (آزاد)، تر (وابسته)، گل (آزاد) خان ه (آزاد)، دانش پژوه: دان و پژوه (آزاد) — ش (وابسته).

۲. در متن زیر تعداد جمله های مستقل را مشخص کنید و تعیین کنید کدام جمله مستقل ، ساده و کدام مرکب است .

الف) شاعری غزلی بی معنا و قافیه سروده بود . (مستقل ساده)

ب) آن را نزد جامی برد . (مستقل ساده)

پ) پس از خواندن آن گفت: «همان طوری که دیدید ، در این غزل از حرف «الف» استفاده نشده است .» (مستقل مرکب)

ت) جامی گفت : «بهتر بود از سایر حروف هم استفاده نمی کردید!» (مستقل مرکب)

۳. باهریک از کلمات هم آوای زیر گروه اسمی بسازید:

انتصاب (گماشتن، نصب کردن) : همان انتصاب تازه او

تألم (دردمندی): بیش ترین تألم خاطر مبارک شما

حیات : این حیات پرشور انسان های بزرگ

جزر (ریشه دوم عدد) : جزر اعداد کوچک تر از بیست

خویش (خود، قوم و خویش): آن خویشان ما

خیش (گاو آهن): ده خیش نو

صواب (درست)

ثواب (پاداش)

براعت (بیزاری) : براءت انسان

براعت (کمال ادب و فضل): این براءت انسان باعث افتخار است.

۴. تکلیف دانش آموزی .

خود آزمایی درس سوم ص: ۲۶: ویرایش ۱/ جمله های زیر را ویرایش کنید .

- موضوع نگران کننده هر عصر این است که کاهش انرژی بدن ، انسان را عصبانی می کند.
- اکنون شرکت های تعاونی موقعیت خوبی دارند ؛یا ، اکنون شرکت های تعاونی از موقعیت خوبی برخوردارند .
- اجراکنندگان این طرح باید جرئت خطر کردن داشته باشند .
- نبود برنامه ریزی مناسب ، مانع اجرای به موقع فعالیت های ورزشی شده است .
- کاهش بارندگی در سال گذشته باعث کمبود منابع آب های زیر زمینی شده است .
- بخش بعدی برنامه را ببینید. یا بخش بعدی برنامه را ملاحظه فرمایید.
- مورخان با جرئت ، کشف خود را بیان کردند .
- ادامه چنین تمرین هایی موجب تقویت مهارت نگارشی می شود .
- در این موارد انسان دچار خودپرستی می شود .
- حسن به برادرش گفت که مقاله ام (ا مقاله ات ) منتشر شد .
- ۲. نمونه های دیگری از کلماتی را که در بیاموزیم خواندید بنویسید .

ضَلال : گمراهی و ظلال : سایه بان ، سایه

أنعام : چهارپایان و انعام : نعمت بخشیدن

حَلال : روا ، جایز و هلال : ماه نو

۳. فعالیت دانش آموز

درس چهارم : املاي « همزه » در فارسي / فعالیت : به عهده دانش آموز است.

پاسخ خود آزمایی درس چهارم ص : ۳۱

۱. شکل درست همزه / ء / را در کلمات زیر طبق نمونه بنویسید .

نشئت - اداره - مؤانست - مآخذ - مرئوس - اشمزاز - سؤال - ائتلاف - ملجأ .

۲. زیرا واژه هایی اند که دارای واج چند حرفی اند: الفت، مولف، تألیف / غدر، قدر، صواب، ثواب

۳. پنج کلمه مثال بنویسید که صورت های مکتوب و ملفوظ آن ها متفاوت باشد . خواهر - خواهش - خویش - تو - اجتماع، پنبه -

درس پنجم : مطابقت نهاد و فعل

توضیح بیاموزیم : کلمه هایی که با یکی از مصوت های «آ آ ای او» ختم می شوند موقع جمع بستن با علامت «ان» «ی» میانجی می گیرند . مثال : آشنا + ان = آشنایان / دانش جو + ان = دانشجویان

علت این امر آن است که هیچ گاه دو مصوت بی فاصله در کنار هم تلفظ نمی شوند . چند واج میانجی دیگر :

- گ : تشنه + ان = تشنگان / ج : سبزی + ات = سبزیجات / ک : نیا + کان = نیاکان . / ا نکته ای / و گیسوان

### پاسخ خود آزمایی ص : ۳۸

۱. الف ( آب جوشید - بادکنک ترکید . ب ) آب را جوشاند

پ ( آب جوشانده شد - بادکنک ترکانده شد

۲. موارد حذف را در نوشته زیر مشخص کنید و نوع آن را بنویسید .

آن ها با اسب حرکت کردند ، ما نیز با اسب به دنبالشان حرکت کردیم ( لفظی ) ؛ ما ( لفظی ) صبح زود رسیدیم .

آن ها زودتر از ما رسیده بودند ( لفظی ) . شهر میان دشت و گسترده بود ، شهر ( لفظی ) پر از دار و درخت بود ( لفظی ) ،

شهر ( لفظی ) حالتی رؤیایی داشت ( معنوی ) ؛ حالت رؤیایی شهر مثل این بود که ما ( لفظی ) به بهارستانی نادیده چون مینو قدم نهاده ایم .

این شهر ( لفظی ) در قرن سوم بنا شده بود . از آن زمان تاکنون این شهر ( لفظی ) آرام و سبز در کنار کویر نشسته است ( لفظی ) .

شهر ( لفظی ) چشم به راه آمدن مسافری بود که آن مسافر ( لفظی ) به دیدارش می آمد .

۳. صامت های میانجی کلمات زیر را مشخص کنید .

دانا یان ( ی ) ، پختگی ( گ ) ، ترشیجات ( ج ) ، بچگانه ( گ ) ، سخن گو یان ( ی ) ، گرسنگان ( گ ) ، روستایی ( ی ) ،

نامه ای ( ء ) ( ا = همزه ) ، بانوان ( و ) ، زانوان ( و ) .

درس ششم : نگارش تشریحی : توضیح بیاموزیم :

برای جمع بستن اسم ها ، در فارسی دو علامت وجود دارد : «ها» و «ان» . مانند درختان و درخت ها .

۱. باید دانست که علامت جمع «ها» بسیار فعال تر یعنی پرکاربردتر از علامت جمع «ان» است به عبارت دیگر می توان همه

کلمات را با علامت جمع «ها» جمع بست ولی با علامت جمع «ان» نمی توان .

۲. در مورد کلمه هایی که با هر دو علامت جمع بسته می شوند باید دانست که با جمع «ها» معمولاً رایج تر و جمع با «ان» بیشتر در شعر و نثر ادبی کاربرد دارد.

۳. همیشه نشانه «ان» علامت جمع نیست. کاربردهای دیگر این نشانه عبارت اند از:

الف) پسوند زمان: بامدادان (زمان بامداد) بهاران (زمان بهار) سحرگاهان (زمان سحر)

ب) پسوند مکان: گیلان (محل استقرار مردم گیل)

ج) پسوند تشبیه: کوهان (مانند کوه) کندوان (مانند کندو)

### پاسخ خود آزمایی: ص: ۴۵

۱. تکلیف دانش آموز ۲. تکلیف دانش آموز.

۳. جمله هایی را که نهاد آن ها با فعل مطابقت ندارد یا در آن ها حذف قرینه صورت گرفته است، ویرایش کنید.

- اگر گوینده و نویسنده به صحت مطلبی اطمینان نداشته باشند، نباید آن را بیان کنند.

- اگر مرد یا زن در اجرای وظایف خود کوتاهی کند، نمی توان از او انتظار موفقیت داشت (نیاز به ویرایش ندارد).

- در صورتی که گفتارمان با رفتارمان مطابقت نداشته باشد، اعتماد مردم را از دست می دهیم.

- این مسئله در شورای دبیرستان مطرح شد، و مورد بررسی قرار گرفت.

- این پول ها نتیجه ماه ها تلاش، پس انداز و صرفه جویی او بود (نیاز به ویرایش نداد).

۴. در کدام یک از کلمات زیر «ان» نشانه جمع نیست؟ این کلمه ها را مشخص کنید و معنی آن ها را بنویسید.

گیاهان (جمع)، بامدادان (هنگام بامداد زمان)، شادان (با حات شادی پسوند قید ساز)، کندوان (مکان)، سپاهان (مکان)، سواران (جمع)، پاییزان (زمان)، مردان (جمع).

درس هفتم: گروه فعلی / پاسخ فعالیت (۱) در باره ویژگی های پنج گانه فعل های زیر گفت و گو کنید.

- نمی خواندند: شخص: سوم شخص جمع، زمان: ماضی استمراری، گذر: گذرا به مفعول، وجه اخباری، معلوم.

- می نشانیدیم: شخص: اول شخص جمع، زمان: ماضی استمراری، گذر: گذرا به مفعول، وجه اخباری، معلوم.

- دوخته نمی شد: شخص: سوم شخص مفرد، زمان: ماضی استمراری، گذر: ماده اصلی فعل گذرا، وجه اخباری، مجهول.

- بیابند: شخص: سوم شخص جمع، زمان: مضارع التزامی، گذر: ناگذر، وجه التزامی، معلوم.

- داشتند می آمدند : شخص : سوم شخص جمع ، زمان : ماضی مستمر ، گذر : ناگذر ، وجه اخباری ، معلوم

پاسخ فعالیت ( ۲ ) فعل های دیگری از قبیل پخت ، دوخت نیز در کاربردهای متفاوت تغییر معنا می دهند . برای هر یک از معانی آن ها جمله ای مثال بیاورید .

الف) پخت : - غذا را پختم . ( معنای اصلی ) از گرما پختم . ( حرارت بدنم بالا رفت ) در کوره حوادث پخته شدم . ( با تجربه شدم ) .

ب) دوخت : خیاط لباسم را دوخت (معنای اصلی) اودهانم را دوخت. ( بست ) اودوباره چه پاپوشی برایم دوخت ؟ ( توطئه کرد)

پاسخ فعالیت ( ۳ ) کدام یک از فعل های پیشوندی زیر با فعل ساده نوع خویش تفاوت معنایی یا کاربردی دارد ؟

- یافتن و بازیافتن: پیدا کردن ، چیزی را دوباره به دست آوردن // تفاوت معنایی دارد.
- آمدن : متضاد رفتن / برآمدن: بالا آمدن ، طلوع کردن // تفاوت معنایی دارد.
- گردانیدن : نمودن، چرخاندن / بازگردانیدن: مراجعت دادن ، پس فرستادن // تفاوت معنایی دارد.
- گذشتن: عبور کردن، صرف نظر کردن / درگذشتن: مُردن // تفاوت معنایی دارد.
- فرستادن: ارسال کردن / بازفرستادن: پس دادن، برگرداندن // تفاوت معنایی دارد.
- آسودن: آرام گرفتن ، آرمیدن / برآسودن: آرام گرفتن ، استراحت کردن // تفاوت معنایی ندارد.
- گماشتن: کسی را به کاری منصوب کردن / برگماشتن: منصوب کردن ، وکیل کردن // تفاوت معنایی ندارد.
- گرفتن: پذیرفتن ، اخذ کردن / فراگرفتن: آموختن ، احاطه کردن // تفاوت معنایی دارد.
- داشتن: دارا بودن / واداشتن: وادار کردن // تفاوت معنایی دارد.

توضیح بیاموزیم : برخی کلمه ها گاه به اشتباه در نوشتار و گفتار به جای یک دیگر به کار برده می شوند . باید به هنگام نوشتن مراقب باشیم که این کلمه ها را به جای هم به کار نبریم . راه جلوگیری از این اشتباه ، یادگرفتن معنی آن هاست . برخی از این کلمه ها عبارت اند از : احسن : نیکوتر ، احسنت : آفرین بر تو / مس : لمس کردن ، مسح : دست کشیدن / تسویه : مساوی کردن ، تصفیه : پاک کردن / استجاره : پناه خواستن ، استیجار : اجاره کردن / گریز: فرار ، گزیر : چاره

پاسخ خود آزمایی: ص: ۵۲

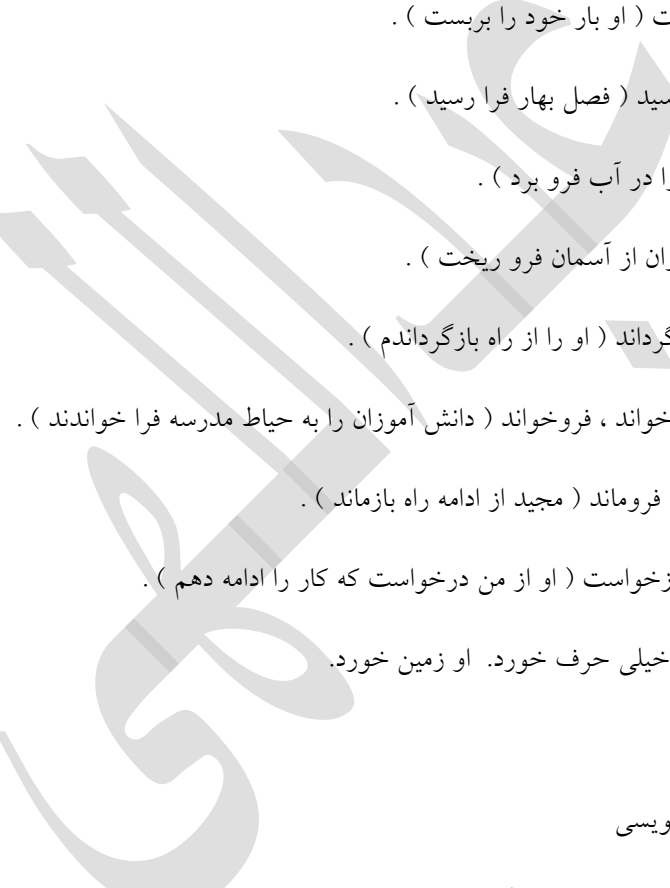
۱. جمله های زیر را با گذرا کردن فعلشان دوباره نویسی کنید .

چوپان گوسفندان را به بیلاق برد و پس از دو ماه برگرداند.

سال گذشته که دوستان را به کوه نوردی برده بودند ، سیل ، سنگ بزرگی را از کوه غلتاند و به دره انداخت .

۲. با کمک مصدرهای ساده زیر ، فعل پیشوندی بسازید و آن ها را در جمله به کار ببرید .

- خوردن : بر خورد ، باز خورد ، فرو خورد ( صبا خشم خود را فرو خورد ) .



- داشتن : برداشت ، بازداشت ( او را از این کار باز داشت ) .

- چیدن : بر چید ( جوجه دانه برچید ) .

- گشتن : برگشت ، بازگشت ( برادرم از سفر بازگشت ) .

- آشفتن : برآشففت ( از سخنم برآشففت ) .

- انگیختن : برانگیخت ( او با سخنان تند خود مردم را برانگیخت ) .

- بستن : فرو بست بر بست ( او بار خود را بر بست ) .

- رسیدن : بازرسید ، فرا رسید ( فصل بهار فرا رسید ) .

- بردن : فرو برد ( سرش را در آب فرو برد ) .

- ریختن : فرو ریخت ( باران از آسمان فرو ریخت ) .

- گرداندن : برگرداند ، بازگرداند ( او را از راه بازگرداندم ) .

- خواندن : بازخواند ، فرا خواند ، فروخواند ( دانش آموزان را به حیاط مدرسه فرا خواندند ) .

- ماندن : درماند ، بازماند ، فروماند ( مجید از ادامه راه بازماند ) .

- خواستن : واخواست ، بازخواست ( او از من درخواست که کار را ادامه دهم ) .

۳-مریم غذا خورد. مریم خیلی حرف خورد. او زمین خورد.

۴). تکلیف دانش آموز .

درس هشتم: زندگی نامه نویسی

توضیح بیاموزیم : در نگارش میان حروف یک کلمه باید فاصله مشخصی وجود داشته باشد . به فاصله میان حرفی ، نیم فاصله می گویند . همچنین باید بین کلمه ها فاصله مشخصی را در نظر گرفت که به آن فاصله میان واژه ای یا فاصله می گویند . فاصله میان واژه ای، دو برابر فاصله حرفی است . حفظ فاصله میان واژه ای ، نشانه استقلال واژه هاست زیرا هر واژه حریمی دارد که باید رعایت شود . فاصله اجزای کلمه مرکب و مشتق - مرکب به اندازه فاصله حرف های یک کلمه ( نیم فاصله ) است . در نگارش واژه های مرکب و مشتق ( در صورت جدا نویسی ) باید فاصله بین اجزا به صورت نیم فاصله باشد . وندهای صرفی و فعل های کمکی نیز تابع همین قاعده اند .مثال : نا خوانا ، ورودی ، کتاب ها ، خواهد آمد و ....



پاسخ خود آزمایی: ۶۰

۱. تکلیف دانش آموز.

۲. در نوشته زیر که بخشی از زندگی مولاناست، نویسنده از چه شیوه ای بهره گرفته است؟

رمان گونگی، توضیح زندگی تاریخی مولوی با استفاده از گونه ادبی.

۳. میان واژه های مستقل، فاصله معینی هست که به آن فاصله میان واژه ای می گویند. و فاصله میان حرف های جدای یک واژه را فاصله میان حرفی می گویند: در این نمونه هر دو مورد را می بینید: او برای مصاحبه آماده بود.

### درس نهم: جمله ساده و انواع آن

پاسخ فعالیت:

با دو فعل « آموختن » و « ساختن » در معانی مختلف جمله بسازید و تعداد اجزای آن ها را در هر کاربرد مشخص کنید.

الف) آموختن: - او مطالب را به خوبی آموخت. (سه جزئی مفعولی) آموخت = یاد گرفت.

- او هندسه را از من آموخت. (چهار جزئی مفعولی، متممی) آموخت = یاد گرفت.

- او مطالب زیادی به من آموخت. (چهار جزئی مفعولی، متممی) آموخت = یاد داد.

- او مرا دانش و معرفت آموخت. (چهار جزئی دو مفعولی) گونه ادبی زبان معیار

ب) ساختن: - او خانه را ساخت. (سه جزئی) با مفعول..

- او با من ساخت. (سه جزئی متممی) کنار آمد..

توضیح بیاموزیم: اجزای جمله را به دو گونه می توان در کنار هم قرار داد: یکی به شیوه عادی و دیگری به شیوه بلاغی. در شیوه عادی اصل بر این است که نهاد همه جمله ها در ابتدا و فعل در پایان قرار گیرد. در شیوه بلاغی اجزای جمله به تشخیص نویسنده و با هدف اثرگذاری بیشتر در خواننده جا به جا می شود.

مانند: علم (نهاد) همچون خاتم ملک سلیمان (متمم) است. (فعل) « شیوه عادی » خاتم ملک سلیمان است علم. (شیوه بلاغی)

شیوه بلاغی بیش از آن که دستوری باشد به سبک نگارش نویسنده و کاربرد ادبی بستگی دارد. جای اجزای جمله به تناسب حالات عاطفی تغییر می کند و بار معنایی خاصی می گیرد و گیرایی کلام، بیشتر می شود.

## پاسخ خود آزمایی: ص: ۷۱

۱. الف) از مصدرهای زیر به ترتیب، ماضی مستمر، آینده، مضارع اخباری و ماضی بعید بسازید و آن‌ها را در جمله ای به کار بیاورید. افتادن، فرستادن،

مصدر	ماضی مستمر	آینده	مضارع اخباری
افتادن	داشتم می افتادم	خواهم افتاد	می افتم
فرستادن	داشتم می فرستادم	خواهم فرستاد	می فرستم

ب- من از پله ها (می افتم)، (داشتم می افتادم) و (خواهم افتاد) دو جزئی. من نامه را (داشتم می فرستادم)، (می فرستم) و (خواهم فرستاد) سه جزئی گذرا به مفعول.

پ- افتادن ناگذر است و قابلیت پذیرش تکواژ سببی را ندارد. مثلاً نمی توان گفت: (مصدر) افتادن: (بن مضارع) افت + تکواژ گذراساز «ان = افتادن؛ بلکه گذرای افتادن، انداختن است. پس شکل مجهول از افتادن را با شکل گذرای انداختن می توان ساخت. و مجهول زمان آینده از مصدر فرستادن: نامه فرستاده خواهد شد. (مجهول).

۲. نوع جمله های زیر را با نمودار آن‌ها مشخص کنید.

صبح به خیر، نوروزتان پیروز، عیدتان مبارک، سفر بع خیر، پیوندتان مبارک، قدم نورسیده مبارک، دست خوش، خداحافظ. جمله های بالا از جمله های دو جزئی بی فعل هستند. این نوع جمله ها گروه اسمی اند و فعل ندارند.

نهاد (گروه اسمی) / گزاره (گروه اسمی)

صبح / به خیر

نوروزتان / پیروز

عیدتان / مبارک

سفر / به خیر

پیوندتان / مبارک

خدا / حافظ

دست / خوش

درس دهم : نامطابق های املایی / پاسخ فعالیت ( ۱ )

در باره کلماتی که با « خوا » آغاز می شوند در فارسی امروز کاربرد دارند گفت و گو کنید . مهمترین واژه هایی که با « خوا » آغاز می شوند و در زبان فارسی کاربرد دارند عبارت اند از : خواهش ، خواست ، خواسته ، خواهان ، خواهنده ، خواستگار ، خواستگاری / خواندن ، خوانا ، خواندنی ، خوانش ، خواننده / خوار ، خواری / خواب ، خوابیده ، خواب آلود / خوان ، خوانچه / خواربار ، خواهر .

واژه های یادشده از جمله نامطابق های املایی هستند ؛ یعنی ، بین نوشتار و گفتار آن ها مطابقت وجود ندارد .

پاسخ خود آزمایی :ص : ۷۵

۱. کدام یک از کلمات زیر ، امروز رایج نیستند ؟ آن ها را مشخص کنید و معنی آن ها را با استفاده از کتاب لغت بنویسید .

خوازه ، خواری ، خوالیگر ، دشخواری ، خوف ، خواستگاری ، خوان .

کابرد ندارند: خوازه : طاق نصرت / خوالیگر : آشپز / دشخواری : دشواری

۲. کدام یک از کلمات زیر از نظر املایی نامطابق است ؟ تفاوت آوایی و املایی آن ها را نیز مشخص کنید .

سُنبل ( سمبل ) ابدال / ، اجتماع ( اشتماع ) ابدال / ، انبساط ( امبساط ) ابدال / دست بند ( دس بند ) کاهش، / منبر ( ممبر ) ابدال / سُنباده ( سُمباده ) ابدال .

درس یازدهم : باز گردانی - باز نویسی / پاسخ فعالیت ( ۱ ) سه بیت از داستان « زاغ و کبک » را بازگردانی کنید .

- زاغی از آن جا که در پی آسایش بود از باغ به سوی دشت سرسبزی پرواز کرد .

- در دامنه کوه مکان وسیعی دید که پر از گل و سبزه بود .

- در آن گلستان سبزرنگ و خرم ، کبک بسیار زیبا و کم نظیری زندگی می کرد .

پاسخ فعالیت ( ۲ ) داستان « خیر و شر » از هفت پیکر نظامی که دکتر زهرا کیا (خانلری) آن را بازگردانی کرده است .

پاسخ خود آزمایی : ص : ۸۶

۱. ابیات زیر را با جابه جایی مختصری به نثر بازگردانی کنید ؛ مثال :

- شنیدم که در تنگنایی شتر / بیفتاد و یشکست صندوق دُر

شنیدم که شتری در تنگنایی افتاد و صندوق دُر ( مروارید ) { که بار آن بود } شکست .

- اگر هوشمندی به معنی گرایبی // که معنی بماند نه صورت به جای

اگر هوشمندی، به حقیقت و باطن هر کار یا هر چیز توجه کن؛ زیرا صورت و ظاهر از بین می رود باطن پایدار می ماند.

- من از رویدن خار بر سر دیوار دانستم // که ناکس کس نمی گردد بدین بالانشینی ها

من از رویدن خار بر سر دیوار دانستم که انسان پست با بالانشینی ارزش و اعتبار انسانی به دست نمی آورد.

-گرت همواره باید کامکاری // ز مور آموز رسم بردباری

اگر می خواهی همواره خوشبخت و کامیاب باشی، راه و رسم بردباری را از مورچه بیاموز.

- دوباره پلک دلم می پرد، نشانه چیست // شنیده ام که می آید کسی به مهمانی

دوباره پلک دلم می پرد (بی قرارم و به دلم الهام شده) این نشانه چیست؟ شنیده ام که کسی به مهمانی می آید.

۲. و ۳. تکلیف دانش آموز.

### درس دوازدهم (نظام معنایی زبان)

فعالیت ص: ۸۸

دانش آموز رنج برد. (تحمل کرد)

دانش آموز مسابقه را برد. (برنده شد)

دانش آموز کتابش را به خانه برد. (حمل کرد)

دانش آموز خوابش برد. (خوابید)

فعالیت ص: ۸۹

تفاوت دومصرع - معنی بیت اول: وقتی از خدا شدی (به خدا روی آوردی) همه چیز از آن تو خواهد شد (همه چیز به تو روی

می آورد). بیت دوم وقتی از خدا برگشتی (روی برگرداندی) همه چیز از تو برمی گردد و به تو پشت می کند.

گشتن در مصراع اول به معنی شدن (روی آوردن) است و در مصراع دوم برگشتن (روی برگرداندن، دور و جدانشدن) است.

در مصراع اول بین «چیز» و «از» مکث، لازم نیست ولی در مصراع دوم بین «چیز» و «از» مکث لازم است.

فعالیت ص: ۹۰ / ب، ت، ب، ب، ب، ت، ت، الف

خود آزمایی ۹۳

۱. نزاجا: نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران ، نهاجا: نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران  
اتکا: اتحادیه تعاونی های کارکنان ارتش ، اداره تدارکات کارکنان ارتش،هما: هواپیمای ملی ایران .

سمپاد: سازمان ملی استعداد های درخشان ساف: سازمان آزادی بخش فلسطین

۲. پوش : پوشه ، پوشش، پوشاک ( اشتقاق) / کف پوش ، روپوش ( ترکیب). نوش : نوشین( اشتقاق)نوشابه ، خوش نوش ،

نوشمک، بهنوش ( ترکیب) / کوش: کوشش ، کوشا ( اشتقاق)، سخت کوش ( ترکیب)

۳. شوخ(چرک ، مزاح ) /سوگند (گوگرد ، قسم )/ حوصله (چینه دان ، صبر).

پیکان (نوک تیز فلزی تیر، نوعی خود رو )/ خسته (مجروح، ناتوان)

۴. خوی : عرق / انگبین : عسل / بابزن : سیخ کباب / پروپزن : غربال / درزی : خیاط / چخیدن : ستیزه کردن . خوالیگر: آشپز

۵. هوش بری ، یادمان ، گفتمان ، کالبدشناسی ، تورم ، یارانه ، رایانه ، آسیب شناسی ، بسامد.

۶ برف می آید(معنای مستقیم) این لباس به شما می آید(همنشینی با لباس)

## درس سیزدهم (گروه اسمی)

- فعالیت : ص: ۹۴ / ۱. صفت اشاره : این درخت بلند است.  
۲. صفت پرسشی: کدام کتاب را بردی ؟  
۳ صفت مبهم : هیچ انسانی بی نیاز از فرهنگ نیست.  
۴ صفت شمارشی اصلی : دو کتاب از قفسه برداشتم .  
۵ صفت شمارشی ترتیبی کتاب فیزیک در دومین ردیف است .  
۶ صفت تعجبی : چه باغ زیبایی!  
۷ صفت عالی: بزرگترین اثر حماسی ایران ، شاهنامه فردوسی است .  
۸ شاخص: سید محمد حسین بهجت متخلص به شهریار است .  
آن کتاب را بردار .  
چه ساعتی به خانه می آیی؟  
همه چیز را خدا آفریده است .  
سه قلم خریدم .  
به سومین کلاس بروید .  
عجب دانش آموز پرتلاشی !  
آقا محمد به خانه رفت .

فعالیت : ص: ۹۵ خود شما دانای راز استقبال باشکوه وابسته پیشین افزودن شکر

## خود آزمایی ص: ۱۰۰

۱. حر، قرن ، دلیل ، فرقه ، تحفه ، مصیبت، نابغه  
۲. مجانبین/ طلاب، کبار، وکلا، اوصیا،( امروز واژه «طلبه» در معنی مفرد به کار می رود و جمع آن «طلاب» است).  
۳. خواهر : شاخص : خواهر احمدی امروز غایب است - هسته گروه اسمی : زینب، خواهر زهرا آمد .  
کدخدا - : شاخص: کدخدا صفر، به روستا برگشت - هسته گروه : او کدخدای روستای علی آباد است .  
۴. باغبان مُستَمَد استوار دودمان یادگار  
باغبان مُستَمَد اُستوار دودمان یادگار  
۵. آخرین پیامبر: بدل / نیما معطوف به رودکی/ پدران شعر فارسی: بدل

## خود آزمایی صفحه ۱۰۶

۱. تکلیف دانش آموزان است.

۳. جیغ زنان رد کرد محو زل زد حرکت می کرد می مالید توی خشن.

## درس پانزدهم فعالیت: ص: ۱۰۸

کفش: جفت، لنگه

جوراب: جفت، دوجین

تخم مرغ: عدد، شانه، کارتن، کیلو، تا

نخود و لوبیا: کیلو، تن، خروار

کاغذ: ورق، برگ، بند

کتاب: جلد، تا، نسخه، عنوان

فعالیت: ص: ۱۰۹، زهرا به این درس خیلی علاقه دارد. ← علاقه به این درس

او به کتابش نیاز دارد. ← نیاز به کتاب

او در نقاشی مهارت دارد. ← مهارت در نقاشی

او بر اعصابش تسلط دارد. ← تسلط بر اعصاب

خبرنگار با رئیس مجلس مصاحبه کرد. ← مصاحبه با رئیس مجلس

رستم با اسفندیار دشمنی نداشت. ← دشمنی با اسفندیار

از دروغگو نفرت دارم. ← نفرت از دروغگو

\*متمم اسم، گاهی پیش از اسم خود و گاهی بعد از آن می آید، ولی در نثر معیار امروز اغلب، متمم های اسم، پیش از اسم خود قرار می گیرند، مانند مثال های بالا.

## خود آزمایی درس پانزدهم، ص ۱۱۲

۱- تاریخ انتشار کتاب ذکر نشد - مرکز توزیع کاغذ، در شیراز است.

۲- غرفه های نمایشگاه کتاب، CD می فروشد. - کارخانه تولید کاغذ، در کجاست؟

۳- رنگ کاغذ کتاب، مناسب نیست ۳- ماشین حمل کاغذ، به شیراز آمد.

۴- دیوار نمایشگاه کتاب، سفید بود ۴- پیشنهاد خرید کاغذ را به او دادم.

۵. اندازه کاغذ این کتاب، بسیار کوچک است. ۶- تصویب های صفحه کتاب، زیبا است.

۲. قانون نانوشته دستگاه قضایی کرسی استادی ادبیات  
 هسته صفت مفعولی هسته صفت نسبی هسته مضاف الیه (وابسته و وابسته)

دیوارِ بلندِ باغ شش دستگاه دوربین فیلم برداریِ نو  
 هسته صفت مضاف الیه صفت شمارشی ممیز هسته مضاف الیه صفت  
 ۳. خرمن ، خرمن / مَداد ، مَداد / نَماد ، نَماد / کِرامت ، کِرامت / فِقدان ، فِقدان / جِهَاد ، جِهَاد /  
 ۴. تکلیف دانش آموزان است .

۵. افتخار به دوستی با دانایان ،  
 نهاد متمم اسم (نهاد) متمم متمم  
 افتخار واقعی است . مسند فعل

خود آزمایی درس شانزدهم ، ص ۱۲۰

۱ و ۲. تکلیف دانش آموزان .

۳. متمم فعل ، مُصَوِّت کوتاه ، مضاف الیه

۴. کشید / تحمل کرد / پرتاب کرد

۵. دل بستگی: مفعول / مطالعه: متمم / کتاب: مضاف الیه / بوی: نهاد / تنوری: صفت نسبی / دود: معطوف به نهاد / هیزم: مضاف الیه / فضا: مفعول سرزمین: مضاف الیه مضاف الیه / آشنا: مسند

درس هفدهم: فعالیت: ص: ۱۲۲

اسم ساده مثل فعل ساده گسترش پذیر ست . مثل گل سرخ ← گل های سرخ ؛ اما اسم غیر ساده (مركب) مثل فعل غیر ساده (مركب)، گسترش پذیر نیست و نمی توان در میان اجزای تشکیل دهنده آن ه تکواژی قرار داد . مثل : خوش نویس ، کتاب خانه ← خوش نویس ها ، این خوش نویس ها ، خوش نویس ممتاز و نمی توان گفت ← خوش ها نویس ، خوش این نویس ، خوش کدام نویس ها ، خوش ممتاز نویس .

فعالیت: ص: ۱۲۳ ، مادر (ب) شوهر ، کرایه (ب) تاکسی ، آب (ب) پرتقال ، خیار (ب) شور ، زن (ب) دایی ، پسر (ب) عمو ، چلو (و) خورش.

خود آزمایی درس هفدهم: ص: ۱۲۶

۱. کلمات مرکبی که جای هسته و وابسته عوض شده است :

گل خانه ← خانه گل پیرزن ← زن پیر پیرمرد ← مرد پیر دل درد ← درد دل گلاب ← آب گل  
 جوانمرد ← مرد جوان کارنامه ← نامه کار دانشسرا ← سرای دانش سیلاب ← آب سیل کارخانه ← خانه کار

\* کلمات مرکبی که جای هسته و وابسته عوض نشده است فقط نقش نمای اضافه از بین رفته است :

آلو بخارا ← آلو بخارا صورت حساب ← صورت حساب چوب لباس ← چوب لباس قد بلند ← قد بلند  
 صاحب خانه ← صاحب خانه لیمو عمانی ← لیمو عمانی جا مدادی ← جای مداد زیر دستی ← زیر دستی

۲. الف / کتاب فروش ← کسی که کتاب را می فروشد .

- دانشجو ← کسی که دانش را می‌جوید .
- دانش آموز ← کسی که دانش را می‌آموزد .
- دادخواه ← کسی که داد را می‌خواهد .
- جنگجو ← کسی که جنگ را می‌جوید .
- دل شکن ← کسی که دل را می‌شکند .
- دل ربا ← کس که دل را می‌رباید .
- حق گو ← کسی که حق را می‌گوید .
- ب : - سیه دل ← کسی که دل سیه دارد .
- سفید بخت ← کسی که بخت سفید دارد .
- شادکام ← کسی که کام شاد دارد .
- نکونام ← کسی که نام نیکو دارد .
- زیبا رو ← کسی که روی زیبا دارد .
- خوش نیت ← کسی که نیت خوش دارد .
- کند ذهن ← کسی که ذهن کند دارد .
- کج خلق ← کسی که خلق کج دارد .
- ۳. تکلیف دانش آموزان .

### خود آزمایی درس هجدهم ص: ۱۳۱

۱ . بی نشان : سخاوتمند

۲ . هر دو دخیل، نشانه دار ، عربی و قیدند. و در فارسی تفاوت معنایی دارند.

مع الوصف (با این همه ، با آن که ، با این که ، با این وصف ، برای توصیف به کار می‌رود .  
مع الاسف (با تأسف، متأسفانه) به هنگام تأسف و پشیمانی به کار می‌رود .

۳ . گزینه د ، زیرا «بسیارکم» فارسی است و کاربرد آن بهتر است . «به ندرت» نیمی عربی و نیمی فارسی است و «ندرتاً» عربی نشانه دار است . اما در حد اعتدال می‌توان از دو مورد استفاده کرد .

### خود آزمایی درس نوزدهم ، ص ۱۴۱

۱و ۲ و ۳ تکلیف دانش آموزان است .

۴ . مشتق : کارگاه ، گلزار ، نمکدان ، گلستان

مرکب ، گلاب ، گلاب پاش ، گل شهر ، گلدار ، گل پوش ، گل بوته  
مشتق مرکب : گل دوزی و گل سازی

### خود آزمایی درس بیستم / ۱۴۸



۱. افشانه ← افشان (بن مضارع) + ه (پسوند) ← اسم مشتق  
 نمودار ← نمود (بن ماضی) + ار (پسوند) ← اسم مشتق  
 کارانه ← کار (اسم) + انه (پسوند) ← اسم مشتق  
 بیچاره ← بی (پیشوند) + چاره (اسم) ← صفت مشتق  
 سبزه زار ← سبز (صفت) + ه (پسوند) + زار (پسوند) ← اسم مشتق  
 سیمینه ← سیم (اسم) + ینه (پسوند) ← صفت مشتق  
 ۲. بادب :

پیشوند: دانش آموز بادب افتخار مدرسه است.

حرف اضافه: او با ادب و علم خود، همه را شیفته خود کرد .

بی نام :

پیشوند: آن ها سربازانی بی نام بودند .

حرف اضافه: شروع هر کار بی نام خدا پسندیده نیست .

بی کار :

پیشوند: جوانان بی کار، زودتر گمراه می شوند .

حرف اضافه: بی کار و فعالیت امکان اداره امور زندگی نیست .

باهنر: پیشوند: او هم ، باهنر و هم تحصیل کرده است .

حرف اضافه: او باهنر خود به جامعه خدمت می کند .

۳. خشم + گین ← خشمگین صفت سهم + گین ← سهمگین صفت گوش + ه ← گوشه اسم لب + ه  
 ← لبه اسم چشم + ه اسم نا + بینا ← نابینا صفت نا + شنوا ← ناشنوا صفت نا + دان ← نادان صفت  
 ۴. مان : سازمان ، گفتمان ، یادمان ، دودمان و ساختمان / کده : دانشکده ، دهکده ، هنرکده ، میکده / ناک : دردناک ، سوزناک ،  
 سهمناک ، وحشتناک .

سار: چشمه سار ، کوهسار، شاخسار / وش : پریش ، مهوش / دیس : طاقدیس ، تندیس ، گلدیس .

۵. پنج کلمه مثال بنزید که فرآیند واجی کاهش در صورت گرفته باشد: دست بند ، ماست بند ، پستیچی ، امضا ، شیرافکن .

۶. نوروز (مرکب)، خویشتاوند (مشتق-مرکب)، طبیعت (ساده)، فراموش کار (مرکب)، سرگرم (مرکب)، ساخته (مشتق)، مادر (ساده)،  
 یاد آوری (مشتق-مرکب)، دامن (ساده)، بازگشت (مشتق) .

### خود آزمایی درس بیست و یکم ص: ۱۵۲

۱. ایجاد ارتباط (برای انتقال پیام) : من درس خوانده ام / فردا مدرسه تعطیل است / دوست شما فردا از مسافرت می آید / صبح

بخیر / کمک می خواهید / چه روز دل انگیزی

محمل اندیشه : سنگ فاقد روح است / روح یک پدیده الهی است . زمین به دور خورشید می گردد .

حدیث نفس : (خطاب به خود) باید امشب بروم / نباید بترسم / باید عجله کنم / باید مهربان تر باشم .

آفرینش ادبی : / خاک موسیقی احساس تو را می شنود. (هر جمله ادبی یک آفرینش ادبی ایجاد می کند. )

گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شد

۱۲. ایجاد ارتباط ، زیرا هر انسانی در هر شرایطی نیازمند ایجاد ارتباط و انتقال یا دریافت دانسته ها و ایجاد هم حسی است .

۳. زبان «تکیه گاه اندیشه» است یعنی به خاطر وجود زبان است که انسان قادر به اندیشیدن است اگر انسان از زبان بی بهره بود نه می توانست تفکر کند و نه می توانست علمی به دست آورد و نه می توانست علم خود را به دیگران منتقل کند. اغراق نیست اگر گفته شود بدون زبان حیات انسان بر روی زمین ناممکن بوده است.

۴. گ: ستارگان ، بندگان ، بچگی ، بچگانه  
همزه: خانه ای ، نکته ای  
ج: سبزیجات ، میوه جات  
و: ابروان ، آهوان ، زانوان  
ک: نیاکان ، پلکان  
د: بدین ( به این ) ، بدان (به آن)  
ه: بهش ( بی ش )

### خودآزمایی درس بیست و دوم ص: ۱۶۶

۱و۲. تکلیف دانش آموز

۳-مراجعه به کتابخانه ما را از خرید کتاب بی نیاز می کند. نگاه لبریز از عشق او مرا به زندگی امیدوار می کند. -نگریستن به چهره مادر به من آرامش می دهد. -استفاده از خودکار قرمز در امتحان ممنوع است. برای استفاده از میکروفون ، مراجعه به دفتر الزامی است.

خودآزمایی درس بیست و سوم ص: ۱۷۵

۱و۲. تکلیف دانش آموزان است .

۳. مراجعه به مدیر مدرسه آرامش کرد . نگاهش لبریز از محبت است . ترس از تاریکی طبیعی بود. استفاده از ابزار های موجود ساده بود.

### ساختمان واژه ۳ /درس بیست و چهارم /فعالیت ۱

بن ماضی +وند + بن ماضی: داد و ستد، زدو خورد، نشست و برخاست ، دیدو بازدید، رفت و آمد، گفت و شنید  
بن مضارع + وند + بن مضارع: گیرو دار ، پرس و جو ، خواب و خور.  
بن ماضی + وند + بن مضارع : پخت وپز، زدو بند، گفت و گو، خرید و فروش .

فعالیت ۲ قید: سراسر، سرتا پا، دوشادوش ، دست به دست ، قدم به قدم، برابر

اسم : تخت خواب ، رخت خواب

قید - صفت : گوش به زنگ ، دست به عصا، روبه رو، قلم به دست ، ملامال

اسم - قید : شانه به سر اسم :مرگ و میر ، کشت وکشتار، آموزش و پرورش

صفت : رنگ به رنگ

فعالیت ۳ برای شناخت نوع کلمه باید به کاربرد واژه در جمله توجه کنید .

ناهماهنگی ← اسم ناراحتی ← اسم بی نظمی ← اسم ناشکیبا ← صفت - قید نایافتنی ← صفت

نخواندنی ← صفت نسنجیده ← صفت - قید بی ادبی ← اسم هماوازی ← اسم کشتارگاه ← اسم

ناشکری ← اسم      دانشگاه ← اسم      بی مسئولیتی ← اسم      همکاری ← اسم      ناشنوایی ← اسم  
ستایشگری ← اسم      توانگری ← اسم      نابینایی ← اسم      ناخوانا ← صفت - قید      هم‌رهی ← اسم

۲. مشتق: فرهنگی / فرهنگستان / بی فرهنگ / مرکب: فرهنگ نامه / فرهنگ سرا / فرهنگ ساز / مشتق مرکب: فرهنگ شناسی

فرهنگ شناسی

۳- کاهش: دست بند ، ایستگاه، قند شکن / افزایش: پایِ تخته ، / ابدال: ابدال در صامت: شنبه (شنبه)

ابدال در مصوت: ن-نمی روم ، خانه

ادغام: قنددان (قندان) زودتر، شب پره.

آب و آینه و آفتاب در قاب لحظه هاتان جاودانه باد / عبداللهی